

بسمه تعالی

زنان ایران اسلامی الگوی کنشگری جنسیتی در تحولات خاورمیانه

ن. کمالی لطفی

مقدمه

بانوان مسلمان ایران با فداکاری‌هایشان در جهت پیروزی انقلاب اسلامی، تصویری زیبا و به یادماندنی از خود به یادگار گذاشتند. آن‌ها با غیرتی مردانه به مبارزه با ظلم و زشتی همت گماشتند و در این راه از همه‌ی تعلقات خود دست کشیدند. الگوی رفتاری زنان مسلمان ایران، در همه‌ی جنبه‌ها، سرمشقی است برای همه‌ی زنان آزاده‌ی جهان و به آن‌ها در احیای جایگاه والایشان کمک می‌کند. این مقاله می‌کوشد جایگاه و نقش مؤثر زنان مسلمان ایرانی در شکل‌دهی، تثبیت و تداوم انقلاب اسلامی ایران را نشان دهد و همچنین تأثیر الگوی فعالیت زنان انقلابی ایران در تحولات خاورمیانه را بررسی کند. کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، زنان، تحولات خاورمیانه.

نقش زنان در انقلاب اسلامی ایران

تاریخچه‌ی حضور زنان در انقلاب اسلامی ایران

۱۵ خرداد ۱۳۴۲ یادآور نخستین زمزمه‌های انقلاب اسلامی ایران است که در سال ۱۳۵۷ به سرانجام رسید. عناصر، قشرها و نیروهای زیادی در انقلاب و پیروزی آن نقش داشتند. زنان مسلمان ایرانی نیز، همگام با مردان، در میدان مبارزه با طاغوت ایثار و فداکاری کردند. نقش فعال و سازنده‌ی آنان در شکل‌گیری انقلاب اسلامی به همه‌ی ناظران و متفکران جهان ثابت کرد که اصول و قوانین اسلام هیچ‌گاه مانع حضور زن در اجتماع و انجام فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی نمی‌شود. بانوان مسلمان ایرانی انگیزه و اعتقاد خود را مدیون اسلام و آموزه‌های آن هستند؛ آموزه‌هایی که نه تنها خصوصی‌ترین بخش زندگی آن‌ها را برنامه‌ریزی می‌کند، بلکه بر مشارکتشان را در برنامه‌های سیاسی و اجتماعی نیز تأثیری شگرف دارد. رهبر انقلاب بارها به این نکته‌ی مهم اشاره کرده است که نقش زنان در انقلاب برجسته و حتی عظیم‌تر از نقش مردان بوده است.^۱ این نقش و تأثیر را می‌توان به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم بر روند شکل‌گیری و تداوم انقلاب بررسی کرد.

زنان نقش سازندگی غیرمستقیم خود را و امداد اخلاق خاص جنسی خویش بودند؛ یعنی حیا، عفاف، تقوا، ایثار، شجاعت، وحدت کلمه و همیاری. زنان در سایه‌ی اسلام و در نقش همسر، مادر و خواهر به پرورش فکری و روحی همسران، فرزندان و برادران خود می‌پرداختند. تحول فکری و روحی‌ای که در جریان انقلاب برای زنان به وجود آمد، نه تنها در عملکرد سیاسی و اجتماعی آن‌ها تأثیر گذاشت، بلکه تحول فکری را به مردان نیز القا کرد و در عملکرد آن‌ها نیز مؤثر واقع شد. زنان، همچون معلمان، با تعلیم و ترغیب مردان خود به پرورش درخت انقلاب کمک کردند. امام در این باره فرموده است: زنان تقویت‌کننده و شجاع‌کننده‌ی ملت‌ها هستند.^۲ نقش و تأثیر مادران، همسران و خواهران شهدا و ایثارگران نیز در این میان بسیار ستودنی و مهم است. حضور فعال و پررنگ این زنان نه تنها تأثیر شگرفی در روحیه‌ی مردان جامعه داشت، بلکه باعث دلگرمی دیگر زنان جامعه برای ادامه‌ی این راه و نهضت بزرگ بود.

۱. زن مسلمان، ص ۱۵

۲. مقاله‌ی «الگوی اجتماعی نقش و پایگاه زن در جامعه‌ی اسلامی»، صفری.

عملکرد زنان مسلمان ایران در فعالیت‌های غیرمستقیم خلاصه نشد. آنان با حضور در راهپیمایی‌ها و تظاهرات در برابر ظلم و استبداد رژیم پهلوی همدوش مردان مبارزه کردند؛ البته با رعایت حجاب اسلامی و موازین شرعی. روحیه‌ی شهات‌طلبی، ایثار و از خودگذشتگی آنان وحشتی عظیم در دل دشمنان اسلام و انقلاب ایجاد کرد و موجب تعجب مردم جهان شد.

نام این انقلاب همیشه و همه جا با نام شهدا و مبارزان زن عجین شده است. این مبارزه‌ها بعد از انقلاب و در حماسه‌ی هشت سال دفاع مقدس نیز تداوم داشت و زنان پشت جبهه‌های نبرد به فعالیت و سازندگی مشغول بودند. نقش مستقیم و غیرمستقیم زنان هیچ تعارض و تداخلی با هم نداشت. آن‌ها در عین انجام وظایف همسری و مادری به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی می‌پرداختند و قبل از آنکه مبارزی فعال و شجاع باشند، مادر و همسری وظیفه‌شناس بودند و این همان الگویی است که اسلام در آموزه‌های خود بر آن تأکید دارد.

تیپ‌شناسی زنان در انقلاب اسلامی و مطالبات آن‌ها از انقلاب

یکی دیگر از ویژگی‌ها و در واقع زیبایی‌های انقلاب اسلامی ایران این بود که اقشار و احزاب مختلف جامعه، با وجود طرز فکرهای متفاوت، گاه در کنار هم و در یک سنگر با طاغوت مبارزه می‌کردند. زنان نیز از این ویژگی مستثنا نبودند. هر کدام از این گروه‌ها با انگیزه‌ای منحصر به خود، اما با هدفی مشترک، - که براندازی حکومت وقت و جانشینی حکومت اسلامی بود- به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی می‌پرداختند. این اقشار و گروه‌ها را می‌توان براساس طرز فکر و مطالباتشان به دو دسته‌ی کلی تقسیم کرد: ۱. زن سنتی مسلمان؛ ۲. نیروهای روشنفکر. البته، نیروهای روشنفکر به طور خاص تر به طرف داران مکتب‌های مارکسیست، لیبرالیست، فمینیست و نیروهای نوجوان، جوان و دانشجو تقسیم می‌شوند.

زن سنتی ایرانی

بر خلاف نظر و تفکر بسیاری از نظریه‌پردازان که سعی دارند زن سنتی ایرانی را زنی منزوی و خانه‌نشین نشان دهند و تأثیر و نقش او را در جامعه کمرنگ جلوه دهند، باید بگوییم زن ایرانی نقشی زیربنایی و گسترده در انقلاب ایران داشت. اگرچه بیشتر اوقات در پشت‌صحنه و دور از چشم به همسر داری و تربیت فرزند مشغول بود؛ اما در واقع تأثیر و عمق عملکرد او بسیار عظیم بود. فداکاری، صبر و تحمل او در نقش مادر و همسر جایگاهی والا در تاریخ انقلاب ایران دارد.

تغییرات سیاسی و اجتماعی ای که در این برهه از زمان رخ داد، باعث تحول فکری زنان شد. سهم زن سنتی از این تحولات این بود که قصد داشت به هویت دینی-اسلامی خود برگردد. آن‌ها خواستار حکومت اسلامی بودند؛ حکومتی که در آن برای داشتن حجاب و عفاف مجبور نباشند با سربازان پهلوی مبارزه کنند. در واقع، حجاب مهم‌ترین مطلوب زنان سنتی بود و آن‌ها با الگو قرار دادن زنانی چون فاطمه الزهرا (سلام‌الله‌علیها)، زینت کبری (سلام‌الله‌علیها) و... سعی در احیای آموزه‌های دین اسلام داشت.

زن روشنفکر مسلمان ایرانی

تحولات و تغییرات سیاسی و اقتصادی و گسترش ارتباط با دیگر کشورها باعث به وجود آمدن دگرگونی فکری و روحی در برخی از زنان جامعه‌ی ایران شد. بیشتر اعضای این قشر را زنان و دختران محصل، دانشجو و شاغل تشکیل می‌دادند. زنانی که تا دیروز با قوانین خانواده‌ای پدرسالار و سنتی زندگی می‌کردند، امروز با شنیدن افکاری جدید همچون حقوق زنان، برابری و تساوی زنان و مردان، آزادی و... به هویت و موقعیت خود شک کردند. در نتیجه، سعی کردند هویتی جدید و حتی مخالف افکار سنتی خانواده و جامعه پیدا کنند.

بالارفتن سطح تحصیلات، روابط اجتماعی، فعالیت‌های حزبی و سیاسی و همچنین تکثر منابع هویت‌ساز باعث شکل‌گیری احزاب و گروه‌های جدیدی شد که هر کدام از گوشه‌ای از جهان وارد کشورمان شده بودند. گروهی از زنان روشنفکر که از نظریات مکتب مارکسیستی تأثیر گرفته بودند- که از شرق و شوروی سابق وارد شده بود- خواستار برابری زنان و مردان و نفی مالکیت خصوصی شدند. بیشتر افراد این قشر را طبقه‌ی کارگر تشکیل می‌دادند و با آموزه‌ها و انگیزه‌های خاص خود با حکومت وقت مخالفت کردند. مکتب دیگری که در آن زمان تاحدی رواج پیدا کرد، مکتب لیبرال بود. این مکتب سوغات کشورهای غربی بود و بیشتر روشنفکران و تحصیل کرده‌های خارج، بعد از بازگشت به کشور، آن را همراه خود وارد جامعه کردند. زنانی که به این مکتب پایبند بودند، خواستار برابری و تساوی حقوق و موقعیت زن و مرد، دخالت‌نکردن دولت در اقتصاد، آزادی مالکیت خصوصی و ملی‌گرایی بودند. دسته‌ی دیگر را می‌توان نوجوانان بین ۱۵ تا ۲۲ سال معرفی کرد که در مدرسه و دانشگاه تحصیل می‌کردند. آن‌ها در موقعیت سنی حساسی قرار داشتند و شخصیتشان در حال شکل‌گیری بود؛ در نتیجه هر کدام از این مکتب‌ها تلاش می‌کردند آموزه‌ها و اهداف خود را به این قشر پرهیجان و کم‌تجربه القا کنند. در اینجا نقش افرادی چون امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه)، دکتر بهشتی، شهید

مطهری و ... برای هویت بخشی و راهبری این گروه ستودنی و مهم بود. مطالبات اصلی این قشر عدالت خواهی و مبارزه با ظلم و استبداد بود و انقلاب اسلامی بخش اعظمی از پیروزی های خود را مدیون این گروه از جامعه است. تلاش این دسته از متفکران باعث شد که اکثر زنان روشنفکر آرمان های اسلامی را برگزینند و در خط صحیح شیعی قرار گیرند و فاطمه (سلام الله علیها) را الگوی خود قرار دهند.

نقش زنان در ایجاد انقلاب

نقش زنان در ایجاد و تثبیت انقلاب بسیار مهم و کلیدی است. زنان در واقع سرچشمه ی تحول فکری و روحی خود و مردان بودند. زنان علاوه بر فعالیت های پشت صحنه و حمایت از مردان، با شرکت فعال در راهپیمایی ها، تظاهرات و فعالیت های سیاسی مبارزه ی خود را کامل می کردند. حتی برخی از آن ها به نبرد مسلحانه روی آوردند.^۱ نخستین راهپیمایی زنان در مشهد و به دلیل انتشار مقاله ای رخ داد که در روزنامه ای ضد مردمی به آیت الله خمینی (رحمة الله علیه) توهین کرده بود. طبق آمار رژیم، حدود ۴۰۰ زن در آن راهپیمایی شرکت کردند. زنان بعد از این راهپیمایی، تقریباً در همه ی تظاهرات (از جمله راهپیمایی تبریز برای چهلم شهدای قم، حمله به حرم امام رضا (علیه السلام) در مشهد، مسجد جامع نجف آباد و ...) شرکت کردند و مردان انقلابی را تنها نگذاشتند. آمار زندانیان سیاسی زن قابل توجه است. همچنین، در مقابل هر دو شهید مرد، یک شهید زن وجود دارد که نشان دهنده ی فداکاری و شجاعت زنان ایرانی است.^۲

نقش زنان در تداوم انقلاب

۱. حضور در جبهه های جنگ

هشت سال دفاع مقدس دومین آزمون الهی بعد از انقلاب اسلامی بود که بانوان مسلمان ایرانی با سربلندی و افتخار در آن پیروز شدند. زنان انقلابی ایستادگی در برابر هجوم وحشیانه ی رژیم بعثی را وظیفه ی خود می دانستند. آنان که همیشه حامی و مشوق مردان خود بودند، این بار نیز با از خود گذشتگی شوهران و فرزندان خود را به جبهه ی نبرد فرستادند. گروهی از بانوان داوطلبانه در شهرها لوازم ضروری رزمندگان را جمع آوری می کردند. گروهی نیز شبانه روز پشت جبهه به

۱. نقش زنان در انقلاب اسلامی، عباس، ابولقاسمی ص ۱۲.

۲. همان، ص ۱۳.

رزمندگان کمک، امدادسانی و آنان را مداوا می کردند. مرزهای جنگ زده‌ی ایران هیچ گاه رشادت، صبر و فداکاری شیرزنان مرزنشین را فراموش نخواهد کرد؛ آن‌هایی که حاضر نشدند شهر و روستا را خالی کنند و دوشادوش و گاه جلوتر از مردان با مهاجمان مبارزه کردند.

۲. حضور در موقعیت‌های حساس، مهم و سرنوشت‌ساز

بانوان مسلمان ایرانی همیشه و همه جا گوش به فرمان حضرت آیت‌الله خمینی (رحمة‌الله‌علیه) بوده‌اند. آن‌ها باور داشتند که غلبه بر ظلم فقط با توکل بر خدا و اطاعت از رهبر امکان‌پذیر است. زنان ایران همواره در موقعیت‌های سرنوشت‌ساز همدوش یا جلوتر از مردان بوده‌اند. حضور پرهیجان آن‌ها در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ آغاز فعالیت‌هایشان برای تداوم انقلاب بود؛ انقلابی که هنوز کاملاً پیروز نشده بود. ۱۲ فروردین ۱۳۵۷ شاهد دیگری بر این مدعاست. مشارکت پرشور زنان در انتخابات نشان داد که زن ایرانی مبشر آزادی و اصول انسانی در اوج آگاهی است. امام (رحمة‌الله‌علیه) بارها فرمودند: انقلاب ما بدون شرکت مخلصانه و فعالانه‌ی زنان پیروز نمی‌شد.^۱

۳. حضور در جهاد سازندگی

تداوم انقلاب اسلامی و آبادانی کشور جز با بسیج و تلاش یکپارچه‌ی زن و مرد به دست نمی‌آید. بزرگ‌ترین و مهم‌ترین وظیفه‌ی سازندگی زنان تربیت فرزندان صالح و غیرتمند است تا با همتی استوار به آبادانی و توسعه‌ی کشور کمک کنند. زنان مسلمان ایرانی با شرکت داوطلبانه در جهاد سازندگی به ریشه‌کن کردن فقر و بیماری‌های مسری و فلج اطفال، مداوای بیماران محروم، دادن مشاوره‌های بهداشتی، راه‌اندازی مراکز تولیدی و اقتصادی و ... کمک کردند. بانوان ایران با صرفه‌جویی در مصرف و خرید اجناس داخلی به جای خارجی سعی کردند وابستگی به نظام‌های خودکامه را قطع کنند. آن‌ها با برعهده گرفتن شغل‌های بیرون از خانه در فعالیت‌های اقتصادی نیز شرکت کردند و به توسعه‌ی اقتصاد و فرهنگی ایران کمک کردند.

۴. حضور در جنبش‌های دانشگاهی

تحول روحی و ذهنی ایجادشده در زن ایرانی باعث شد هویت و شخصیتی جدید پیدا کند و با شرکت در جنبش‌ها و گروه‌های اجتماعی- فرهنگی آن را تکمیل و تثبیت کند؛ درحالی که تا دیروز

^۱. همان، ص ۱۹.

حتی قادر نبود شخصیت خود را جدا از مرد تعریف کند. امروزه، زنان سعی دارند موقعیت‌ها و شغل‌های دولتی مهم را به دست آورند. آن‌ها می‌کوشند با شرکت در جنبش‌های اجتماعی و فرهنگی نظرات و افکار خود را بیان کنند. اکنون، بیش از نیمی از جمعیت دانشگاه‌ها را زنان و دختران پرشور و باانگیزه‌ای تشکیل می‌دهند که سعی دارند در تلاش و رقابتی سالم سطح علمی خود و جامعه را ارتقا دهند. نتایج آزمون‌های دانشگاهی و المپیادهای علمی جهانی نشان‌دهنده‌ی رشد سطح علمی دختران و زنان مسلمان ایرانی است.

بعد از انقلاب اسلامی، جهان شاهد هویت جدیدی از زن مسلمان ایرانی بود؛ زنی که با حفظ حجاب و حرمت خود و با شناخت و آگاهی از ارزش واقعی خویش در جامعه حضور پیدا کرد و توانست به همه‌ی جهان ثابت کند می‌توان فعال سیاسی، دانشجو، معلم، دکتر و ... باشد و در عین حال پوشش اسلامی را رعایت کند. زن مسلمان ایرانی همزمان با دو دیدگاه مبارزه کرد: ۱. مخالفت با سنت‌گرایی خودویرانگر؛ ۲. آزادی بی‌قیدوبند غربی.

نقش زنان در این برهه را می‌توان، به لحاظ تاریخی، به سه مرحله تقسیم کرد:

مرحله‌ی نخست: قبل از انقلاب، کنشگری سیاسی - اجتماعی در قالب مقاومت و مخالفت علیه ساختار موجود.

مرحله‌ی دوم: انقلاب، کنشگری فرهنگی - سیاسی برای طراحی ساختار سیاسی، فرهنگی که نتیجه‌ی آن نظام سیاسی انقلاب اسلامی شد.

مرحله‌ی سوم: بعد از انقلاب (تثبیت)، کنشگری علمی - مدیریتی انقلابی. در این مرحله، زنان با حضور فعال در عرصه‌ی اجتماعی و با پشت سر نهادن محرومیت‌های گذشته جنبشی علمی تشکیل دادند که امری بی‌سابقه بود و توانستند در عرصه‌های جهادی، علمی و اجتماعی حضور فعال داشته باشند.

بخش دوم

تحولات خاورمیانه

بررسی زنان در خاورمیانه

زنان عموماً در کشورهای عربی خاورمیانه محدودیت‌های شدیدی دارند و فرهنگ سنتی پدربسالار در خانواده‌ها حاکم است. آن‌ها هم از طرف خانواده و هم از طرف اجتماع محدود و زیر فشار هستند. جنسیت نخستین و مهم‌ترین ملاک برای تعریف رفتار آنان است - چه از طرف خود زنان و چه از

طرف خانواده و جامعه. در بعضی از این کشورها زن فقط خدمتکار، سرگرم کننده‌ی مردان و موجودی برای ارضای میل جنسی مردان است. این وضعیت در کشورهایمانند عربستان، امارات و ... بسیار حادثتر از کشورهای دیگر است.

وضعیت تحصیل و سطح دانش زنان خاورمیانه

باوجوداینکه در دهه‌ی اخیر پیشرفت‌هایی در زمینه‌ی تحصیل و سطح دانش زنان در کشورهای خاورمیانه اتفاق افتاده است، همچنان خانواده‌های زیادی هستند که مخالف تحصیل دختران و زنان خود و ارتباط مستقیم آن‌ها با مردان هستند. هر روز تعداد بیشتری از زنان و دختران در دانشگاه به تحصیل مشغول می‌شوند؛ اما هنوز رگه‌هایی از دیدگاه سنتی، حتی در جامعه‌ی علمی و بین تحصیل کرده‌ها، وجود دارد. تبعیض بین زنان و مردان به این‌ها خلاصه نمی‌شود. برای مثال، آن‌ها حق تحصیل در رشته‌های مهندسی و حقوق ندارند. در نهایت نیز زنان بعد از فارغ‌التحصیل شدن معمولاً نمی‌توانند شغل دلخواه خود را پیدا کنند.

حضور غیرفعال زنان در جامعه و نداشتن مشارکت سیاسی

سلطه‌ی نظام پدرسالارانه، خشک‌مذهب بودن، خرافه‌پرستی، نگرانی از به‌خطرافتادن اقتدار مردان، دیدگاه اشتباه مردان درباره‌ی ارزش زن، اعتمادبه‌نفس نداشتن برخی از زنان به توانایی‌های خود و ... عواملی هستند که از حضور زنان در اجتماع و فعالیت‌های سیاسی در خاورمیانه جلوگیری می‌کنند. پدرسالاری را می‌توان نوعی نظام اجتماعی تعریف کرد که در آن مزایا و موقعیت‌های اصلی جامعه در دست مردان است و زنان در وضعیت فرودست مردان به سر می‌برند.^۱ سلطه‌ی نظام پدرسالارانه در خانواده و جامعه، خشک‌مذهب بودن و خرافه‌پرستی باعث می‌شود بسیاری از زنان از ترس آبرو و جایگاه خود از فعالیت در جامعه دست بردارند. مردان در کشورهای عربی، به‌خصوص در خانواده‌های سنتی، به جایگاه خود در خانواده حساس هستند. نگرانی آن‌ها از کم‌شدن مقام نان‌آوری‌شان باعث می‌شود زنان و دختران خود را از انجام فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی منع کنند. به‌همین دلیل، مردان در این کشورها برای ازدواج با دختران و زنان شاغل تمایل کمتری دارند.

^۱. مقاله‌ی «مسائل زنان در خاورمیانه»، امیر، جعفری.

فعالیت سیاسی زنان در جنبش‌های ملی‌گرا و اسلام‌گرا می‌توانست موجب شکوفایی و پیشرفت زنان در جامعه شود. در فضای سیاسی این جنبش‌ها بر مسائل حقوق زنان، حق رأی، مشارکت سیاسی و ... تأکید می‌شود. بسیاری از زنان - به‌خصوص قشر تحصیل‌کرده - برای احیای هویت خویش و تغییر جایگاهشان در جامعه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی زیادی انجام می‌دهند؛ اما روند این تغییرها بسیار کند است و عرصه‌های سیاسی همچنان تحت سلطه‌ی مردان است. زنان هیچ‌گاه تمایل ندارند تا ابد فرمانبر و اجراکننده‌ی سیاست‌های تعیین‌شده‌ی رهبران مذکر باشند؛ به‌همین دلیل گاه برخی از آنها بعد از مدتی، به‌دلیل بی‌نتیجه‌بودن تلاش خود، از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی دل‌سرد می‌شوند و از آن دست می‌کشند.

عوامل مؤثر در تفکر زنان خاورمیانه در خصوص تحولات

۱. انقلاب اسلامی ایران

اینکه آیا انقلاب اسلامی ایران می‌تواند سرمشقی برای کشورهای مستضعف و تحت استبداد حاکمان فاسد باشد یا نه، همیشه مسئله‌ای مهم بوده است. برای پاسخ به این سؤال لازم است نخست خاستگاه و زمینه‌های انقلاب اسلامی ایران را بررسی کنیم.

نخستین و مهم‌ترین خاستگاه انقلاب اسلامی ایران اسلامی بودن آن است. این انقلاب در واقع مدیون و وامدار دین اسلام است. اسلام دینی جهانی است و رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) خاتم پیامبران. یکی از مهم‌ترین آموزه‌های اسلام عدالت و برابری است و به‌طور کلی ایجاد حکومت جهانی عدالت‌محور. این ویژگی انقلاب ایران، به‌تنهایی، استحقاق صدور به کشورهای دیگر را ثابت می‌کند. یکی دیگر از خاستگاه‌های انقلاب اسلامی ایران حمایت از ملت‌های محروم و مستضعف است. این مؤلفه از جمله اهداف فراملی سیاست خارجی ایران و همسو با آموزه‌های دین اسلام است. امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) در این باره می‌فرماید: «اسلام برای نجات مستضعفان آمده است».^۱ انقلاب اسلامی ایران هیچ‌گونه وابستگی‌ای به کشورهای شرق و غرب نداشت و مستقل بود. همچنین، ایران نخستین انقلاب سیاسی (اسلامی) موفق را به جهان عرضه کرد؛ انقلابی که برپایه‌ی اسلام، شعار الله اکبر، ایدئولوژی و نمادگرایی شیعه و رهبری روحانیت استوار بود.^۲ با بررسی این خاستگاه‌ها و مؤلفه‌ها می‌توان نتیجه

^۱. صدور انقلاب، محسن، پور محمد.

^۲. همان.

گرفت که هر کس به دنبال این اهداف است، می‌تواند انقلاب اسلامی ایران را الگو قرار دهد و کشور خود را از سلطه‌ی نیروهای متجاوز و مستبد خارجی و داخلی نجات دهد.

۲. نظام ارتباط رسانه‌ای و جهانی شدن

در هر جامعه‌ای، قبل از انقلاب سیاسی و تغییر حکومت، انقلاب فرهنگی و اجتماعی رخ می‌دهد. وسایل ارتباط جمعی یکی از ابزارهای تعامل و تبادل فرهنگ است و کارکرد بسیار زیادی در تغییر یا جایگزینی فرهنگ جامعه دارد. کشورهای غربی، به‌خصوص آمریکا، از طریق همین وسایل ارتباط جمعی سعی دارند بر فرهنگ کشورهای خاورمیانه سیطره پیدا کنند و فرهنگ خود را در آن کشورها نهادینه کنند. آن‌ها هر سال مبلغ زیادی را صرف ایجاد شبکه‌های تلویزیونی می‌کنند. آن‌ها با ایجاد شبکه‌های عرب‌زبان و رواج فرهنگ کثرت‌گرایی رسانه‌ای سعی دارند جنگی نرم در خاورمیانه راه بیندازند و بر ذهن و فکر ملت‌های غربی، به‌خصوص زنان و جوانان، تأثیر بگذارند. کشورهای غربی با شناسایی ضعف‌ها و کمبودهای کشورهای جهان سوم تلاش می‌کنند جایگزینی جذاب برای آن‌ها ارائه دهند. آن‌ها با سردادن شعارهای فریبنده‌ای چون برابری و تساوی حقوق زن و مرد، آزادی زنان، حق تحصیل و انتخاب شغل زنان فکر و ذهن آنان را تصاحب می‌کنند.

نتیجه‌گیری

بررسی نقش زنان در انقلاب اسلامی ایران بیانگر بروز نوعی هویت‌طلبی جنسی بود. این هویت‌طلبی معیارهای مطالبات خود را براساس برداشتی از اسلام بنیان نهاده بود و تمایز جدی با دو نگرش مسلط زمانه‌ی خود و نحله‌های فمینیستی رایج داشت. درون‌مایه‌ی جنبش‌های فمینیستی تساوی حقوق زنان و برابری با مردان در حقوق و جامعه بود؛ اما زنان در انقلاب اسلامی به دنبال رهیافتی عام برای دستیابی به برابری، عدالت، تعهد اجتماعی و نقش‌آفرینی مثبت بودند و تقابل و برابری جنسیتی اولویت نخست آنان نبود. زنان با همین شعارها و مطالبات فراجنسی تجربه‌ی زیستی جدیدی در عرصه عمومی تجربه کردند که تا آن زمان ناممکن بود. البته الگوی زنان ایرانی برای تجربه‌ی زیستی انتقادی الگوی غربی نبود؛ بلکه بازسازی و احیای الگوهای دینی و اسلامی بود. ازدیگرسوی، تعریف جدید آن‌ها با رویکرد سنتی نیز کاملاً متفاوت بود. ایده‌آل‌ترین تعریف زن در روایت سنتی مادر خوب، همسر خوب، خانه‌دار خوب و ... است؛ تعریفی که محدوده‌ی فعالیت زن را چارچوب خانواده و منزل تعریف می‌کند. در این انگاره، زن خوب زن خانه‌دار است و حضور اجتماعی او نشانه‌ای است بر پایمال شدن شرف

خانوادگی، نمایشی شدن زن و به فساد کشاندن جامعه. اما زنان در انقلاب اسلامی کاملاً برخلاف این رویکرد حضور فعال، آگاهانه و نمادی داشتند و با نقش‌های فردی آن‌ها نیز در تضاد نبود.

با نگاهی کلان می‌توان گفت انقلاب ایران در پاسخ به دو بحران ظهور پیدا کرد:

مشکل استبداد داخلی: استبداد در ایران ریشه‌ای تاریخی داشت؛ یعنی ساختار حکومت میل عجیبی به تمرکز، استبداد و فساد قدرت داشت. این نظام نه تنها از درون مستبد و فساد بود، بلکه از بیرون و از طریق استکبار قدرت یافته بود.

مشکل دخالت استکبار بیرونی: از قرن نوزدهم، شاهد ورود غرب به جامعه‌ی مسلمان بودیم که در نهایت به تحمیل فرهنگ غربی و دویارگی فرهنگ جامعه منجر شد.

ملت ایران در مقابل این دو مشکل و علیه ساختار حاکم مقاومت کرد و انقلاب اسلامی ایران را پایه‌گذاری کرد. بررسی تحولات خاورمیانه نشان می‌دهد قیام‌های درون کشورهای عربی نیز در پاسخ به همان دو معضل - یعنی استبداد درونی و دخالت استکبار بیرونی - شکل گرفته است.

نکته‌ی دیگر نمادها و نمادهای زنان ایرانی در عرصه‌ی اجتماع و سیاست بود. تحلیل گفتمان در خصوص شعارهای زنان در انقلاب ایران چند پیام را برجسته می‌کند:

الف) ظهور گفتمان زن مسلمان معاصر؛

ب) عدالت خواهی اجتماعی؛

ج) آزادی فردی و سیاسی؛

د) احیاگری دینی؛

ه) استکبارستیزی؛

و) استبدادستیزی.

بررسی تحولات خاورمیانه و حضور زنان در این تحولات بیانگر نوعی شباهت جوهری و محتوایی بین این دو قیام است. البته، بررسی نگرش زنان خاورمیانه با حکمی کلی منطقی نیست. بی‌تردید، عده‌ای از زنان خاورمیانه با الهام از فضای رسانه‌ای و معرفتی غرب به مخالفت با روند حاکم برخاسته‌اند و گرایش‌هایی سکولار در ذهن دارند؛ ولی تحلیل سیمای کلی این تحولات حکایتگر نوعی اسلام‌گرایی در عرصه‌ی عمومی است. به دلیل اینکه، شعارها و نمادها مشابه انقلاب ایران است و خود انقلابی‌ها نیز چنین گفته‌اند. اکثریت این گروه را افرادی تشکیل می‌دهند که به دنبال آرمان‌های اسلامی هستند و با استفاده از ابزارهای مدرن به دنبال نوعی از گذشته‌گرایی تاریخی خود هستند.

در این میان، آن‌ها مهم‌ترین الگوی خود را انقلاب اسلامی ایران می‌دانند. مشخصه‌های این جریان عبارت است از:

الف) رویکرد انتقادی به غرب؛

ب) مبارزه با استبداد درونی؛

ج) عدالت و آزادی خواهی همزمان.

برآیند این مطالبات تهدیدی جدی برای غرب خواهد بود؛ زیرا غرب هنوز از کابوس انقلاب ایران رهایی نیافته است. انقلابی که به شکل‌گیری محور مقاومت بسیار قوی و تأثیرگذار در منطقه منجر شد و نقش زنان در آن بسیار چشمگیر بود. اکنون نیز هم‌پیمانان و متحدان ایران در صدد پیوستن به محور مقاومت هستند.

فهرست منابع

کتاب

۱. ابوالقاسمی، عباس، نقش زنان در انقلاب اسلامی (با گفتاری از امام و ناصر مکارم)، تهران، انتشارات فتح، ۱۳۵۸.
۲. محمدی اصل، عباس، درآمدی بر جامعه‌شناسی مشارکت زنان ایرانی، تهران، نشر روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۱.
۳. زن مسلمان، ج ۲، نشر نهضت زن مسلمان، ۱۳۶۰.
۴. احمدیان، مرضیه و فتح آبادی، کامبیز، فمینسم راه یا بیراهه، کرمانشاه، نشر باغ ابریشم، ۱۳۸۹.
۵. با بیست ساله‌ها

مقالات

۱. ساروخانی، باقر و رفعت جاه، مریم، عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در بازتعریف هویت اجتماعی زنان.
۲. رضاپور، مهتاب، زن در آینه‌ی انقلاب اسلامی ایران، بهمن و اسفند ۱۳۸۰.
۳. مغانیم، گوزل، بررسی نقش زن در انقلاب اسلامی و تأسیس، تثبیت و تداوم انقلاب.
۴. اسلامی، فاطمه، زن ایرانی و حماسه‌ی دفاع مقدس، پاییز ۱۳۸۵.
۵. صفری، فاطمه، الگوی اجتماعی نقش و پایگاه زن در جامعه اسلامی.

۶. IRANNEWSPAPER، نقش سیاسی زنان مسلمان در شکل‌گیری نهضت اسلامی.
۷. زنان در جنبش‌های اسلام‌گرا، انتشارات بنیاد صلح بین‌المللی کارنگی، ژوئن ۲۰۰۷.
۸. جعفری، نگار، وضعیت و جایگاه زنان عربستان در آموزش.
۹. جهانی‌شدن و آینده‌ی فرهنگی خاورمیانه، ۳ دی ۱۳۸۷.
۱۰. شکل‌گیری پارادایم جدید مبتنی بر بیداری اسلامی، خبرنگاری مهر.
۱۱. جعفری، امیر، مسائل زنان در خاورمیانه، ۱۶ اسفند ۱۳۸۹.
۱۲. پورمحمد، محسن، صدور انقلاب، ۲۵ فروردین ۱۳۹۰.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد